

نقش زنان در برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور، چالش‌ها و راهبردها

دکتر سیدرضا صالحی امیری

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات (نویسنده و مسئول مکاتبات)

عبدالرحیم رحیمی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

چکیده

این مقاله نقش فعال زنان در روند توسعه کشور و حضور آنها را در فعالیتهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی؛ در طی دهه اخیر در شاخص‌های توسعه انسانی مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری آمار و اطلاعات پرداخته است، بعد از مرور بر ادبیات موضوع و ارائه گزارشی از وضعیت حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ضمن تأکید بر برخی از اصول قانون اساسی در ارتباط با جایگاه زنان، چالش‌های پیش روی مشارکت زنان در فرآیند توسعه و موانع موجود در روند مشارکت زنان را مورد بررسی قرار داد و سپس با توجه به تحلیل اطلاعات خود به ارائه راهکارها و پیشنهادات پرداخته است.

واژگان کلیدی

نقش زنان، مشارکت زنان، توسعه انسانی

مقدمه

۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند، در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی فعال هستند (جزئی ۱۳۷۸، ۴۲).

در ارتباط با مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی نیز هنوز فاصله زیادی بین موقعیت زنان کشور ما با جامعه بین‌المللی وجود دارد. بطوریکه در طول ۸ دوره مجلس شورای اسلامی درصد کرسیهای زنان از دو درصد در مجلس سوم به پنج درصد در مجلس ششم و به ۴/۱ درصد در مجلس هفتم رسیده است. (سایت ایران نبرد ۱۳۸۸) همچنین در حال حاضر سهم نمایندگان زن در مجلس هشتم ۲/۷ درصد می‌باشد (معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۷، ۱۵۵).

در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان نه تنها در کشورهای توسعه یافته بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز سهم قابل توجهی در عرصه‌های سیاسی و مدیریت اجرایی بالا و فرآیندهای تصمیم‌گیری کلیدی دارند. آمار بین‌المللی حاکی از این است که ۱۴/۵ درصد از زنان دنیا در سمت پارلمانی قرار دارند. این سهم در مورد کشورهای عربی ۱۴/۶ درصد، آمریکا ۳۱/۳ درصد، فرانسه ۲۰ درصد، ژاپن ۴/۶ درصد، آرژانتین ۲۷/۶ درصد، ویتنام ۲۶ درصد و نامیبیا ۲۲/۲ درصد می‌باشد. همچنین تعداد وزرای زن در حوزه اجتماعی ۱۴ درصد در بخش حقوقی ۶/۴ درصد و در اقتصاد ۴/۱ درصد است (گزارش سازمان توسعه فراگیر زنان ۱۹۹۸، ۱۴۲).

در قرن ۲۱ جای تاسف است که در اکثر ممالک در حال توسعه از جمله کشور ما هنوز بستر مناسبی برای فعالیتهای فرهنگی، علمی- فنی و اقتصادی زنان آنچنانکه باید فراهم نیست و علیرغم وجود چنین پتانسیل ارزشمندی، در مقیاس بالا تنها به مورد استفاده قرار گرفتن در صدی ناچیز از آن قناعت می‌گردد. چنانچه به دقت بخواهیم موضوع را از ابعاد مختلف آن مورد کنکاش قرار دهیم متوجه خواهیم شد که نبودن فرصتهای شغلی برابر، عدم آگاهی زنان از حقوق

امروزه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد حقوق زن و مرد پذیرفته شده است، اما محدودیت شغلی هنوز برای برخی از فرصتهای شغلی در جامعه وجود دارد و این مشارکت زنان را در مشاغل کاهش می‌دهد. درست است که تا رسیدن به شرایط عادلانه و انسانی مشاغل برای زنان راهی طولانی در پیش داریم اما آنچه به دست آمده کم ارزش نیست. در کشور ما برخی هنوز وجود جنبش زنان را انکار می‌نمایند و یا به روند رشد آن با تردید می‌نگرند. اما این جنبش نه تنها وجود دارد بلکه با سرعتی باور نکردنی رو به پیشرفت است (علویان ۱۳۸۴، ۵۷). این مهم در وهله اول در فرآیندهای سطوح مختلف تحصیلی کشور اعم از تحصیلات متوسطه و عالی آشکار است.

علاوه بر تحصیلات، حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز قابل توجه است. اگرچه از جمله اقشاری که در پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم یافتن نظام اسلامی نقش مهمی را ایفا کرده‌اند، جمعیت زنان هستند، به طوری که زنان همواره در تمام مراسم‌ها، مناسبت‌ها و عرصه‌های انقلاب و جبهه و جنگ حضور فعال و تعیین کننده داشته‌اند و از هیچ گونه ایثار و فداکاری در راه دفاع از انقلاب دریغ نکردند، ولی در عرصه‌های کار و تلاش و مشارکت آنها در صحنه‌های تولید و اشتغال در جامعه توجه چندانی نشده است. زیرا آمار مستند حکایت از این دارد که در سال ۱۳۵۵ نرخ مشارکت زنان در ایران حدود ۱۴ درصد بوده است در حالی که این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۸/۲ درصد کاهش یافت (خدابخشی ۱۳۸۴، ۸۸). طبق آمار سازمان جهانی کار^۱ زنان الجزایر با هشت درصد کمترین و زنان فنلاندی با ۴۷ درصد بیشترین سهم اشتغال را در جهان داشته‌اند و بیش از ۴۵ درصد زنان جهان که در رده بین سنین

بر اساس گزارش توسعه انسانی^۲ و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، روشن است که امروزه زنان در ایران از جایگاه و منزلتی متعالی تر از گذشته برخوردار هستند (حصاری ۱۳۸۵، ۷۲). هرچند این امر در برخی از شاخص‌های برنامه‌های توسعه کشور هنوز نتایج مورد انتظار را در پی نداشته است اما بعنوان یک شعار در سرلوحه برنامه‌های مسئولین ذیربط قرار گرفته و تلاش آنها بر این است که روند موجود را نسبت به گذشته بهبود بخشند.

پس از گذشت دو دهه از اجرای برنامه‌های توسعه در ارتباط با جمعیت زنان کشور این اکثریت خاموش، آنچه که مشهود است رشد قابل توجه تحصیلات عالی و تخصصی و سایر توانایی‌های مهارتی آنها می‌باشد. از اینرو تعاملی که این قشر با توجه به پتانسیل بالفعلی که دارند، در برنامه‌های توسعه قابل بررسی است. علیرغم تاکید قانون اساسی در اصل سوم بند چهاردهم مبنی بر «تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد» و «تساوی عموم در برابر قانون» به عنوان اهداف عالی دولت جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲، ۴۸)، هنوز این فرصت یکسان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور به منظور تعیین سهم مشخص، فراهم نشده است. درحالی که حضور زنان متفکر و خلاق در برنامه‌های توسعه برای بهبود و ارتقای بهره وری، افزایش اثر بخشی و تقویت جایگاه رقابتی می‌تواند موثر واقع شوند و اجتماع را به یک توسعه همه جانبه و پایدار برسانند.

به هر حال حضور عملی و مشارکت زنان را باید در عرصه‌هایی که توانایی انجام کار را دارند، جدی گرفت. برای نمونه سهم مساوی یا نزدیک به مساوی در آموزش و پرورش در اختیار خانمها است. چراکه زنان هم در تحصیل وهم در درس دادن و اداره کردن مدارس به خوبی از عهده مسئولیتهای مربوطه بر می‌آیند.

اجتماعی خود، محدودیت‌های مربوط به محیط کار و... از جمله دلایل اصلی در این زمینه به شمار می‌روند. چنانچه بدقت وضعیت کار و استفاده از فرصت‌های شغلی را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مورد توجه قرار دهیم خواهیم دید که در استفاده از منابع انسانی توجه به اصل شایسته سالاری در اولویت بوده و حتی در پست‌های مدیریتی نیز استفاده از توانمندیهای زنان در ممالک توسعه یافته با اهمیت ویژه تلقی شده است اما در کشور ما آنچنانکه باید به این استعدادها توجه نمی‌گردد. به هر حال برای استفاده بهینه از نیروی انسانی در روند توسعه کشور در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توجه به مدیریت علمی و تخصصی کاملاً ضروری می‌باشد. در مرحله نخست به منظور پذیرش باورهای عموم در راستای هرچه بیشتر مشارکت دادن زنان، سپردن مسئولیت در مدیریت‌های مختلف به این قشر ضرورت دارد.

بیان مسئله

در حال حاضر حدود نیمی از افراد هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و حضور و مشارکت آنها در عرصه‌های مختلف اجتماعی تابعی از فرهنگ و باورهای عمو می‌جوامع می‌باشد. پر واضح است نمی‌توان انتظار داشت که متغیرهای اقتصادی و فرهنگی از قبیل جمعیت شاغل، نرخ مشارکت، سطوح اجتماعی و علمی، حضور در پست‌های مدیریتی بالا و... در جوامع مختلف یکسان باشد. هرچند پس از پیروزی انقلاب اسلامی فضا برای حضور موثر زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی فراهم شد اما با توجه به فرهنگ اقوام مختلف سهم آنها از فعالیت‌های اجتماعی و موقعیت‌های علمی و مدیریتی در استان‌های مختلف کشور متفاوت است.

- هرچه سطح تحصیلات زنان بالاتر می‌رود، گرایش آنها به کار خارج از محیط خانه بیشتر می‌شود.
- ۹۸ درصد زنان ایرانی با توجه به مسئولیتی که در خانه دارند، مانع از اشتغال آنها می‌شود.
- بیش از نیمی از زنان ایرانی اعتقاد ندارند، فرصت مساوی برای اشتغال در اختیار مردان و زنان قرار دارد.
- ۷۶ درصد از مردان با کار همسر خود در خارج از خانه موافقت و ۲۴ درصد دیگر مسئولیت زنان در خانه را دلیل مخالفت خود با کار زن عنوان می‌کنند.
- اغلب زنان مجردی که مورد سؤال قرار گرفتند، اشتغال را مانعی بر سر راه ازدواج نمی‌دانند.

ب) دیدگاه اسلام در مورد مشارکت زنان

در تعالیم انسان‌ساز اسلام و قرآن کریم می‌توانیم به سه اصل مهم در مورد اشتغال زنان برسیم (پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت ۱۳۸۸):

اصل اول: در اسلام مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مرد است؛ این بدین معنی است که اسلام اصل استقلال اقتصادی را برای زنان قائل شده؛ یعنی زنان هم مالک کار و تولید خود بوده و هم هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر اقتصاد خانواده ندارند و حتی می‌توانند در مقابل کار و خدمتی که در خانه انجام می‌دهند از همسر تقاضای مزد و حقوق کنند که پرداخت آن هم بر مرد واجب است. زنان و مردان هر کدام با شرایط جسمانی و صفات روحی خود شایستگی انجام کاری را دارند و خواهان شغلی با شرایط متناسب خویش می‌باشند که به تنهایی حق کار و تملک دارند.

در مورد محیط‌های علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی نیز توانایی آنان کاملاً مشهود است، در حالی که در امور مدیریتی و اجرایی توجه چندانی به این موضوع نشده است. به نظر می‌رسد که این روند بایستی در اکثر فعالیتهای موجود جامعه به صورت آرام و تدریجی تغییر یابد تا در آینده شاهد مشارکت بیش از پیش جمعیت زنان حتی در سطوح بالای مدیریتی و اجرایی نیز باشیم.

با توجه به مطالب اشاره شده در بالا و کنکاش و ارزیابی برنامه مشارکت زنان در روند توسعه کشور به منظور روشن شدن مسئله و حل آن می‌بایست به سه سؤال مطرح در این مقاله تحقیقی بشرح زیر پاسخ داده شود:

- ۱) مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه چگونه بوده است؟
- ۲) چالش‌ها و نارسائیهای مشارکت زنان در فرآیند توسعه کدامند؟
- ۳) راهکارهای موجود برای افزایش مشارکت زنان چه می‌باشند؟

پیشینه پژوهش

الف) مطالعات انجام شده در کشور
 طی سالهای گذشته مطالعات و تحقیقات زیادی در خصوص مشارکت زنان در کشور انجام شده است. از جمله این تحقیقات مطالعاتی توسط «گیتی ناصعی» تحت عنوان مشارکت زنان در ایران امروز انجام شده است که به نتایج جالبی در این راستا دست یافته است (ضرابی ۱۳۸۴، ۱۶۸)، برخی از این نتایج عبارتند از:

- ۶۰ درصد از زنان ایران، خواهان اشتغال در خارج از خانه هستند، ۲۰ درصد دیگر نیز تحت شرایط عدم لطمه وارد شدن به زندگی آنها موافق کار در خارج از خانه می‌باشند.

است به آنان واگذار کند که نام این کار یک تقسیم منطقی است نه یک تبعیض ارزشی.

اصل سوم: شرایط واگذاری کار به زنان در اسلام؛ در اسلام به چهار نکته اساسی در مورد شرایط اشتغال زنان اشاره شده است که عبارتند از:

(۱) مصلحت جامعه: در واگذاری شغل به زنان باید دقت کرد که چه پیامدهایی در جامعه خواهد داشت. آیا تأثیر مثبت و مفیدی دارد و به حرکت جامعه به سوی پیشرفت کمک می‌کند و یا تأثیر منفی و مخربی خواهد داشت و موجب رکود و تزلزل اخلاقی در جامعه خواهد شد.

(۲) مصلحت خانواده: از آنجا که قداست و استواری خانواده در جامعه اسلامی بسیار با ارزش و مهم می‌باشد و باید از آن پاسداری کرد، اشتغال زنان و مادران در خارج از خانه نیز باید در راستای تحقق این اصل قرار گیرد نه اینکه باعث تزلزل خانواده گردد، که اگر چنین شود، اشتغال زن با اشکال روبرو است.

(۳) شرایط و مسائل فردی: در واگذاری شغل به زنان باید به مصالح شخصی او نیز توجه شود که آیا زن با انتخاب این شغل توانایی انجام آن را دارد یا خیر؟ یا با این شغل رشد می‌یابد یا دچار عقب ماندگی می‌شود و آیا این شغل با توانمندی‌ها و قابلیت‌های او سازگار است یا خیر؟

(۴) لحاظ کردن اولویت‌ها در واگذاری کار به مرد و زن: در واگذاری کار به افراد باید به راندمان کاری و امکانات و توانایی‌های افراد توجه شود که آیا زن مناسب تر است یا مرد که این بستگی به شرایط شغل‌ها دارد.

ج) جایگاه زن در قانون اساسی و جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول مختلفی به مساله نقش و جایگاه زنان اشاره شده است.

اصل دوم: مشاغل ممنوعه برای زنان در اسلام؛ زنان با تمام آزادی که اسلام برای آنان قائل شده است در مورد اشتغال به سه مورد مستثنی شده‌اند و این هم به این علت است که در این موارد، تکلیفی بر دوش آنان گذاشته نشده است. این مشاغل عبارتند از: ۱. قضا، ۲. جهاد، ۳. افتاء.

(۱) قضاوت یک تکلیف دینی است و نه یک کار اجتماعی که در این مورد به زنان اجازه این امر داده نشده است، مهم‌ترین دلیل آن ممکن است عاطفه و دلسوزی زنان باشد که موجب دلسوزی در حال متهم گشته و او را از انجام حکم دین باز دارد. البته زنان حق شهادت دادن در دادگاه را دارا می‌باشند و حتی برخی فقهای ما نیز در مورد قضا، نظرات متفاوتی دارند.

(۲) در مورد جهاد، زنان وظیفه جهاد ابتدایی را ندارند یعنی اگر جهاد به قصد گسترش اسلام و جغرافیای اسلامی باشد (که با حضور و فرمان امام باید صورت بپذیرد) فقط مردان حق شرکت را خواهند داشت و این وظیفه از دوش زنان برداشته شده است. ولی در نوع دیگری از جهاد که جهاد دفاعی است و برای دفاع از اسلام و مقابله با تجاوزات کفار و دشمنان اسلام انجام می‌پذیرد بر تمام افراد جامعه از جمله زنان واجب کفایی است که از میهن اسلامی خود دفاع کنند.

(۳) افتاء نیز از اموری است که زنان مکلف به انجام آن نشده‌اند. و مرجعیت دینی خاص، شرایط خاص خود را می‌طلبد و فقط فقهای ذکور، حق مرجعیت خاص دینی را دارا می‌باشند.

تفاوتی که در این مورد میان اسلام و غرب وجود دارد این است که غرب به زن به عنوان یک وسیله تبلیغاتی و سیاسی در محیط کار و جامعه برای کسب منافع بیشتر می‌نگرد. ولی اسلام و کشور اسلامی ایران با حفظ کرامت انسانی زنان، می‌خواهد کارهایی را که متناسب با شرایط و روحیات درونی و بیرونی آنان

استناد می‌باشد. لذا این مقاله جنبه مروری داشته و با توجه به آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع کتابخانه‌ای، گزارشات بین المللی، آمارهای ملی و سایت‌های اینترنتی مربوط به جمعیت زنان کشور، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

الف) تاثیرگذاری زنان در برنامه‌های توسعه

بطور کلی اندیشمندان و صاحب‌نظران تاثیر زنان بر توسعه را از سه طریق امکان پذیر می‌دانند (رضاپور و مختاریان ۱۳۸۶، ۲۲):

- ۱) تاثیر زنان از دیدگاه سرمایه انسانی؛
- ۲) تاثیر مستقیم زنان بر شاخص‌های توسعه انسانی؛
- ۳) تاثیر غیر مستقیم زنان بر شاخص‌های توسعه انسانی.

۱) تاثیر زنان به عنوان سرمایه انسانی

بر اساس تعریف، منابع توسعه به سه دسته سرمایه‌های اجتماعی، طبیعی و انسانی تقسیم می‌شوند. سرمایه‌های انسانی بطور مستقیم و غیرمستقیم در بهبود سرمایه‌های اجتماعی و دارایی‌های طبیعی دخیل است. از این رو نیروی انسانی مهمترین منبع توسعه بشمار می‌آید و تنها در صورت بکارگیری و بازدهی مناسب، اثربخش بر توسعه خواهد بود. از طرف دیگر امروزه کاملاً آشکار است که عمده تفاوت بین کشورهای توسعه یافته، در میزان و کیفیت سرمایه‌های انسانی است. حال سوالی که در این راستا مطرح می‌گردد این است که توزیع امکانات و سرمایه انسانی موجود جوامع برای تلفیق این سرمایه‌ها باید چگونه باشد؟

پر واضح است از آنجا که نیمی از نیروی‌های انسانی جامعه به جمعیت زنان اختصاص دارد، برنامه ریزان برای دستیابی بیشتر به امکانات توسعه لازم است، امکانات را به گونه‌ای مهیا سازند که این نیروی ۵۰

همچنانکه پیش از این مطرح گردید، در اصل سوم قانون اساسی برابری زن و مرد در مقابل قانون به صراحت بیان شده است. همچنین در اصل بیستم نیز آمده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند در اصل ۲۱ قانون اساسی نیز تصریح شده است که «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.

ازجمله اصول دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد حمایت از زنان، اصل ۲۸ می‌باشد که می‌گوید: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد (اعم از زن و مرد) امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

به هرحال نگرش قانون اساسی به جایگاه و منزلت والای زن و نقش آفرینی گسترده او در حیات فرهنگی جامعه حائز اهمیت است، چرا که خانواده به مثابه سلول‌های سازنده جامعه محسوب می‌گردد و تزلزل یا تقویت آن به تزلزل یا تقویت جامعه منجر می‌گردد. از نگاه جمهوری اسلامی ایران نیز (که متکی بر شریعت مقدس اسلام است) زن دارای اصالت و استقلال می‌باشد. برخی شبهه‌ای را به این صورت طرح می‌کنند که نگرش اسلام به زن، نگاهی ایزاری است و زن به عنوان موجودی وابسته تلقی می‌شود (زن از دیدگاه مقام معظم رهبری ۱۳۷۸، ۲۴).

روش پژوهش

این مطالعه از لحاظ روش، مبتنی بر جمع‌آوری آمار و اطلاعات مربوط به جامعه زنان ایران از منابع قابل

تاثیرگذار می‌شوند. برخی از مهمترین شاخص‌های حوزه زنان که در فرایند توسعه در مطالعات استفاده می‌شود عبارتند از: شاخص توسعه انسانی مرتبط با جنسیت، شاخص فقر انسانی و شاخص تواناسازی جنسیتی، تعداد زنان ناشر، مولف، مترجم، سهم زنان در مطبوعات، حضور زنان در جشنواره‌های سینمایی، نیروی کار زنان بزرگسال نسبت به زنان سرپرست خانوار، کارکنان امور دفتری، فضاهای ورزشی، میزان فعالیت اقتصادی، سهم نسبی درآمد زنان، درصد محققان و پژوهشگران زن و...

ب) سهم زنان در شاخص‌های توسعه انسانی

برخی از اطلاعات مستند شاخص‌های مطرح شده در فوق بر اساس نتایج حاصل از طرح آمارگیران مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ بشرح جداول (۱)، (۲) و (۳) ارائه شده است:

جدول (۱): ترکیب جنسیتی جمعیت، شاخص‌های امید به زندگی و با

سواد (شاخص‌های توسعه انسانی)

| سال | جمعیت (میلیون نفر) | | امید به زندگی (سال) | | جمعیت با سواد (درصد) | |
|------|--------------------|------|---------------------|-------|----------------------|-------|
| | مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن |
| ۱۳۷۶ | ۳۰/۵ | ۲۹/۵ | ۶۵/۶۷ | ۷۰/۱۴ | ۸۴/۴۵ | ۷۴/۲۴ |
| ۱۳۷۹ | ۳۲/۵ | ۳۱/۵ | ۶۷/۱۴ | ۷۱/۷ | ۸۵/۷ | ۷۷/۰۴ |
| ۱۳۸۵ | ۳۵/۸ | ۳۴/۴ | ۶۹/۸۹ | ۷۳/۹۳ | ۸۸/۹ | ۸۰/۷ |

ماخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۸۶

با توجه به شاخص‌های ارایه شده فوق میزان رشد باسوادی زنان معادل ۸/۷ درصد بوده است. سهم دختران دانش‌آموز طی مقاطع مختلف تحصیلی رشد چشمگیری نشان می‌دهد بطوریکه از ۱/۷۸ درصد رشد در مقطع ابتدایی به رشدی معادل ۱۴/۸ درصد در مقطع پیش‌دانشگاهی بالغ شده است و بدین ترتیب در سال ۱۳۸۵ سهم دختران در مقطع پیش‌دانشگاهی به بیش از ۶۲/۵ درصد بالغ شده است و به همین دلیل سهم

درصدی فعال و به سرمایه‌های انسانی جامعه افزوده شود و تنها در این صورت است که منافع همه جانبه جامعه تامین می‌شود.

۲) تاثیر مستقیم زنان بر شاخص‌های توسعه انسانی

تعریف شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی^۳ در سال ۱۹۹۰ به عنوان مقیاس جدیدی از توسعه توسط برنامه توسعه سازمان ملل^۴ معرفی شد. این شاخص مذکور مبتنی بر این ایده است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، توجه به پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. بطور خلاصه اجزای شاخص توسعه انسانی شامل: امید به زندگی، آموزش و درآمد سرانه می‌باشد. ایران در سال ۲۰۰۵ از نظر رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی بین کشورهای آسیای جنوب غربی در رتبه ۱۲ و در سطح جهان در رتبه ۹۴ قرار داشته است (گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۷، ۳۹).

از اینرو یکی از عملکردهای مثبت زنان، تاثیر مستقیم آنان بر شاخص‌های توسعه است. بعنوان مثال زنان در شاخص‌های مربوط به امید به زندگی، آموزش و... نقش کلیدی ایفا می‌کنند و به طور اصولی دستیابی به اهداف این شاخص‌ها بدون اهمیت و اولویت دادن به زنان و ارائه راه‌کارهای جنسیتی غیر ممکن است.

۳) تاثیر غیر مستقیم زنان بر شاخص‌های توسعه

انسانی

زنان علاوه بر اینکه تاثیر مستقیم بر شاخص‌های توسعه دارند، مجموعه متنوعی از تاثیرهای غیر مستقیم نیز بر افزایش یا کاهش عددی شاخص‌ها و در نتیجه دستیابی یا عدم دستیابی به اهداف توسعه را دارا هستند. بطور مثال در نقش آموزگاران خانگی، مجموعه‌ای از آموزشهای غیر رسمی را بویژه در سطوح ابتدایی و راهنمایی، به فرزندان خویش می‌آموزند. این آموزه‌ها به سرعت در روند توسعه مفهوم یافته و

دانشجویان دختر در همه رشته‌های تحصیلی همه ساله افزایش فزاینده‌ای نشان می‌دهد. (جدول ۴)

جدول (۴): سهم دانشجویان دختر دانشگاه‌های کشور به تفکیک گروه‌های تحصیلی

| سال | پزشکی | علوم انسانی | علوم پایه | فنی و مهندسی | کشاورزی و دامپزشکی | هنر |
|------|-------|-------------|-----------|--------------|--------------------|-------|
| | | | | | | |
| ۱۳۷۹ | ۵۸/۲۳ | ۴۹/۵۲ | ۵۴/۳۲ | ۱۶/۱۰ | ۳۹/۳۲ | ۵۹/۵۱ |
| ۱۳۸۵ | ۶۷/۲۵ | ۶۲/۶۵ | ۶۶/۰۱ | ۲۲/۱۱ | ۵۱/۳۶ | ۷۰/۴۵ |

ماخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۸۶

ج) مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی

بطور کلی بر اساس آمار مستند درصد مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی بسیار کمتر از مردان بوده و به همین دلیل درصد بیکاری در جامعه زنان قابل توجه می‌باشد. حال اینکه طی سالهای اخیر مشارکت زنان در بخشهای فرهنگی از جمله نشر و اهل قلم و تعاونی‌های زنان سیر صعودی دارد. همچنین سهم زنان در مورد کارکنان فامیلی بدون مزد نیز در مقابل مردان افزایش چشم گیری نشان می‌دهد (جدول ۵). منظور از کارکنان فامیلی بدون مزد آن دسته از زنان و مردانی هستند که در امور خانه‌داری، گارگاههای صنایع دستی خصوصی، مغازه کوچک شخصی، امور کشاورزی خانوادگی و موارد مشابه مشغول کار هستند ولی بطور رسمی فعالیت‌های آنان ثبت نمی‌گردد و در حقیقت رسماً مزدی برای انجام اینگونه فعالیت‌ها دریافت نمی‌کنند و به همین دلیل در حسابهای ملی ثبت نشده و در تولید ناخالص داخلی نیز منظور نمی‌گردد.

جدول (۵): کارکنان فامیلی، ناشر و تعاونی‌های زنان (۸۵-۱۳۷۶)

| سال | کارکنان فامیلی (درصد) | | تعاونی‌های زنان | زنان ناشر | زنان اهل قلم |
|------|----------------------------|--------------------------|-----------------|-----------|--------------|
| | سهم مرد از کل اشتغال مردان | سهم زن از کل اشتغال زنان | | | |
| ۱۳۷۶ | ۴/۱۴ | ۳۲/۲۰ | ۶۲۴ | ۸۷ | ۷۴۸ |
| ۱۳۷۹ | ۵/۲۳ | ۳۱/۸۶ | ۱۱۲۴ | ۱۱۱ | ۸۳۸ |
| ۱۳۸۵ | ۳/۴۰ | ۲۹/۲۰ | ۱۸۶۸ | ۱۴۵ | ۳۲۱۱ |

ماخذ: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۶

درصد کارکنان فامیلی بدون مزد طی دوره مذکور در دو گروه زنان و مردان کاهش داشته است. اگرچه در

جدول (۲): شاخص مربوط به ترکیب جنسی دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی کشور (۱۳۷۶-۱۳۸۵)

| سال | مقطع ابتدایی | | مقطع راهنمایی | | مقطع دبیرستان | | مقطع پیش دانشگاهی | |
|------|--------------|-------|---------------|-------|---------------|-------|-------------------|-------|
| | دختر | پسر | دختر | پسر | دختر | پسر | دختر | پسر |
| ۱۳۷۶ | ۵۲/۸ | ۴۷/۱۲ | ۵۴/۸۳ | ۴۵/۱۷ | ۵۲/۲۲ | ۴۷/۷۸ | ۴۵/۴۶ | ۵۴/۵۴ |
| ۱۳۷۹ | ۵۲/۴۷ | ۴۷/۵۳ | ۵۴/۶۹ | ۴۵/۳۱ | ۵۱/۹ | ۴۸/۱۰ | ۴۱/۶۹ | ۵۸/۳۱ |
| ۱۳۸۲ | ۵۲/۱۱ | ۴۷/۸۹ | ۵۴/۱۹ | ۴۵/۸۱ | - | - | - | - |
| ۱۳۸۵ | ۵۲/۵۳ | ۴۷/۹۶ | ۵۳/۸۳ | ۴۶/۱۷ | ۵۰/۹۳ | ۴۹/۰۷ | ۳۷/۴۲ | ۶۲/۵۸ |

ماخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۸۶

این آمار زنگ خطری برای مسئولین و اندرکاران عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که بایستی در برنامه‌های توسعه کشور ضمن برنامه‌ریزی لازم به منظور افزایش سهم مشارکت زنان در برنامه‌های مربوطه را تصمیمات اصولی در این راستا اتخاذ نمایند.

جدول (۳): شاخص ترکیب جنسی جمعیت فعال و سهم درآمدی

| سال | جمعیت فعال | | سهم درآمدی | |
|------|------------|-------|------------|------|
| | مرد | زن | مرد | زن |
| ۱۳۷۶ | ۸۵/۷۵ | ۱۴/۲۵ | ۰/۸۹ | ۰/۱۱ |
| ۱۳۷۹ | ۸۴/۱۱ | ۱۵/۸۹ | ۰/۸۸ | ۰/۱۲ |
| ۱۳۸۵ | ۸۴/۷۱ | ۱۵/۲۹ | ۰/۸۸ | ۰/۱۲ |

ماخذ: مرکز امور زنان و خانواده ۱۳۸۶

علیرغم برخوردار بودن زنان از تحصیلات عالی بیشتر، همانگونه که در جدول شماره (۳) نمایان است، در سالهای مورد بررسی قسمت عمده جمعیت فعال کشور را مردان تشکیل می‌دهند و زنان مشارکت چندانی در عرصه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی ندارند. به هر حال پایین بودن نرخ مشارکت زنان در روند توسعه کشور و فعالیتهای اقتصادی، باعث پایین آمدن درآمد آنان گردیده و این مسئله میزان آسیب پذیری زنان در هنگام مواجهه با رکود اقتصادی را بیشتر خواهد کرد و در نتیجه بار تکفل آنان را افزایش خواهد داد.

شگفتی است که طبق آمار ۱۳۸۱ از کل زنان تحصیل کرده عالی تنها پنج درصد به سمت‌های بالای اداری و مدیریتی نائل شده‌اند (به‌نود ۱۳۸۲، ۴). لذا در کشور ما زنان هنوز فاصله زیادی با موقعیتی که باید داشته باشند، دارند و از نظر سلسله مراتب شغلی، مقامهای پائینی داشته و در مشاغل مدیریتی و کانونهای تصمیم‌گیری کمترین سهم را داشته‌اند.

• رشد بالای جمعیت در ایران: رشد جمعیت

ایران در سال ۱۳۸۵ به حدود ۱/۶ درصد رسید که به رغم کاهش چشم‌گیر نسبت به دهه‌های قبل از آن، هنوز در مقایسه با رشد متوسط جهانی بالاست که نیازمند تدوین برنامه‌های کنترلی برای رسیدن به وضع مطلوب می‌باشیم، از طرفی با توجه به کم شدن تفاضل جمعیت مردان و زنان طی سالهای اخیر، انتظار می‌رود طی سالهای آینده، جمعیت زنان در جامعه افزایش یابد و این به مفهوم پایین آمدن فرصت ازدواج برای آنها، افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان زن، نیاز بیشتر در امور اجتماعی و زیرساختی مربوط به زنان است که بایستی در سطوح کلان کشور مسئولین ذیربط تصمیم صحیح اتخاذ کنند.

• تبعیض جنسیتی: امروزه زن بعنوان نیروی

کار «گران» تلقی می‌شود، زیرا به موجب قانون باید از مزایای متعدد مربوط به مسئولیت مادری بهره‌مند گردد، در نتیجه مرد در بعضی جاها ارجح‌تر است. با توجه به تئوریهای عمده نابرابری جنسیتی در دنیا که امروزه از سوی جامعه شناسان تأیید شده است، نشان می‌دهد که فضای ایران بسیار به نابرابری جنسیتی آلوده است. براساس نظریه نئوکلاسیک در تشریح نابرابری جنسیتی، ارزش کار زن از بهره‌وری پایین‌تری برخوردار است، زیرا به مهارت آنها کمتر توجه می‌شود لذا در جایگاه فروتری قرار می‌گیرند و با توجه به این نظریه اعطای دستمزد پائین به زنان یا قرار دادن آنها در جایگاه‌های سازمانی پایین‌تر توجیه می‌گردد (فتحی

تمام سالهای مورد بررسی بیش از ۲۵ درصد زنان شاغل در کشور را کارکنان فامیلی بدون مزد تشکیل داده است و این رقم در مورد مردان کمتر از ۱۰ درصد بوده است. همینطور درصد اشتغال زنان در بخش کشاورزی و خدمات طی سالهای ۸۵-۱۳۷۶ افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است ولی در بخش صنعت اشتغال زنان به سرعت کاهش یافته است. (جدول ۶)

جدول (۶): اشتغال مردان و زنان در بخشهای مختلف (۸۵-۱۳۷۶)

| سال | بخش کشاورزی | | بخش خدمات | | بخش صنعت | |
|------|-------------|-------|-----------|-------|----------|-------|
| | مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن |
| ۱۳۷۶ | ۲۶/۱۱ | ۱۹/۹۱ | ۴۴/۱۲ | ۳۷/۴۹ | ۲۹/۷۸ | ۴۲/۶ |
| ۱۳۷۹ | ۲۶/۰۱ | ۲۶/۲۶ | ۴۳/۷۹ | ۳۵/۵۱ | ۳۰/۲ | ۳۸/۲۳ |
| ۱۳۸۵ | ۳۸ | ۲۷/۴ | ۳۲/۹ | ۴۵/۷ | ۲۹/۱ | ۲۶/۹ |

ماخذ: مرکز آمار ایران ۱۳۸۶

بر اساس گزارش ملی وضعیت زنان ایران، میزان اشتغال زنان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ حدود ۲/۵ درصد کاهش داشته، در حالی که سطح تحصیلات آنها به مراتب افزایش یافته است (مقدم، والتین ۱۳۸۴، ۴۵).

یافته‌های پژوهش

الف) چالشهای پیش روی مشارکت زنان در فرایند توسعه

با توجه به اینکه جامعه ایران در مرحله‌ای از رشد و توسعه قرار دارد که از آن به مرحله گذار یاد می‌شود یقیناً نارسایی‌ها و چالشهایی پیش روی مسئله مشارکت زنان در فرایند توسعه وجود دارند که بر آن تاثیر خواهد داشت، لذا برخی از مهمترین این چالشها به شرح زیر می‌باشند:

• **عدم توجه به شایستگی زنان:** مطالعات و بررسیهای بعمل آمده نشان می‌دهد که بین سالهای ۶۶-۱۳۸۸ از کل مردان شاغل کشور تنها شش درصد تحصیلات عالی داشته‌اند در حالی که ۱۸ درصد زنان شاغل از تحصیلات عالی برخوردار بوده‌اند. جای

(۱) راهبرد نظامند قبل از اشتغال در جامعه بخصوص اشتغال زنان و اینکه آیا در دیدگاه سیاست‌گذاران، جنسیت افراد جامعه تأثیرگذار است یا خیر؟
(۲) توانایی‌های دختران و انگیزه آنها از تحصیلات.

• **خود اشتغالی زنان در خانه: حدود ۳۰**

درصد افراد ۱۰ سال به بالای جامعه را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند که در دسته افراد غیر فعال جامعه گنجانده می‌شوند، با توجه به اینکه زنان در خانه بر فعالیت‌هایی مشغول هستند (مانند طبخ غذا، نظافت، شست و شوی لباس و حتی آموزش فرزندان در سطوح مختلف تحصیلی، ابتدایی، راهنمایی و ...) که در سایر کشورها برای این فعالیت‌ها در قالب خدمات مشخص پول رد و بدل می‌شود و تأثیر خود را در فعالیت‌های اقتصادی و محاسبه تولید ناخالص داخلی^۵ نشان می‌دهد. از اینرو، توصیه می‌شود به گونه‌ای تأثیر فعالیت زنان خانه‌دار ایرانی در حسابهای ملی مورد توجه قرار گیرد.

• **ارتقاء تدریجی تحصیلات زنان بدون**

تناسب با شغل آنها: میزان با سواد بودن زنان در جامعه از ۳۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۸۰/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است که این مبین توجه جدی به امر آموزش آنهاست و همینطور نسبت پذیرفته شدگان دختر به کل پذیرفته شدگان دانشجویان کشور طی سالهای اخیر افزایش چشم‌گیری نشان می‌دهد، اگرچه این موضوع موجب خشنودی است. اما به نظر می‌رسد به تدریج که تحصیلات عالی زنان افزایش می‌یابد متناسب با آن شرایط شغلی و زمینه استخدام برای آنان در جامعه فراهم نمی‌گردد که این روند در آینده می‌تواند زمینه ناهنجاریهایی را در کشور در راستای توسعه فراهم نماید لذا در سیاست‌گذاریهای آموزشی برابری زنان دو عامل تأثیرگذار وجود دارد:

• **کاهش حضور زنان در عرصه‌های سیاسی،**

فرهنگی در جامعه: آمارهای مستند نشان می‌دهد درصد انتخاب زنان به عنوان نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال‌های پس از انقلاب نسبت به گذشته کاهش یافته است به طوری که طی سال‌های پس از انقلاب در ابتدا ۱۲ نفر نماینده زن در مجلس حضور داشتند ولی در مجلس هشتم به ۸ نفر کاهش یافتند. لذا برای استفاده از استعدادها و پتانسیل قابل توجه زنان به منظور افزایش مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌ها و مسایل سیاسی، فرهنگی و اقتصاد کلان باید از طریق برنامه‌ریزی‌های صحیح سهم آنها در برنامه‌های توسعه را بهبود بخشیم.

• **افزایش آسیب‌های اجتماعی زنان:** یکی از

چالش‌های پیش روی توسعه مشارکت زنان در جامعه امروزی ما، افزایش جرائم در بین جامعه زنان است، عواملی مانند سنت‌ها و باورهای نادرست اجتماعی، میزان فعالیت پایین زنان، پوشش ناکافی خدمات تأمین اجتماعی به ویژه برای زنان مطلقه و بی‌سرپرست، عدم تناسب بین آموزش‌ها و سطح انتظارات و کارکردهای مورد نظر جامعه از زنان و ده‌ها مشکلات فرهنگی و اجتماعی دیگر، زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌ها و جرایم در بین زنان است.

• **مهاجرت مردان به شهرهای بزرگ:** در

بیشتر نقاط دنیا به ویژه در کشورهای در حال توسعه اکثر خانواده‌های کشاورز به دلیل بیکاری فصلی باعث مهاجرت مردان روستا به شهر یا از شهرستان‌ها به شهرهای بزرگ می‌شود تا در جستجوی شغلی برای امرار معاش باشند و این زنان هستند که ناچارند با همه

ب) موانع موجود در روند مشارکت زنان

• موانع فرهنگی

به نظر می‌رسد از جدی‌ترین مشکلات مشارکت زنان در جامعه که باعث کم‌رنگ‌تر شدن نقش اجتماعی آنها در حوزه فعالیت‌های شغلی و بالطبع حضور کمتر آنها در سطوح مختلف مدیریتی و اجتماعی در جامعه می‌گردد، نارسائیهای فرهنگی است. اگرچه عامل اقتصادی در اشتغال زنان، دارای بیشترین اهمیت باشد ولی مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان داده است که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی رایج در یک جامعه، تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان در روند توسعه داشته است. در مورد ایران، فرهنگ پذیرفته شده در جامعه این باور را بوجود آورده است که در صورت عدم موافقت شوهر با کار زن حتی در صورت تمایل او به ادامه کار، زن باید از کار خود چشم‌پوشی نماید. لذا به برخی از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه مشارکت زنان در ایران می‌توان به شرح موارد زیر اشاره نمود:

- ۱) عدم آگاهی زنان از موقعیت‌ها و شرایط مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت؛
- ۲) وجود برخی باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها؛
- ۳) پایین بودن درصد متخصصین و دارندگان مدارج علمی در بانوان نسبت به مردان؛
- ۴) عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی خود (مثلاً قانون اساسی)؛
- ۵) بالاتر بودن نرخ بی‌سوادی زنان نسبت به مردان.

• موانع اجتماعی

در بررسی موانع مشارکت زنان، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی‌توان کاملاً از هم تفکیک کرد و موانع اجتماعی اشتغال زنان از موانع فرهنگی و اقتصادی آنان جدا نیست ولی با این حال

مشکلات دست به گریبان گردند و بعضاً موجب مشکلات حاد و دچار آسیب‌های اجتماعی جبران‌ناپذیر می‌گردند.

• **سقف شیشه‌ای:** مطالعات انجام شده نشان می‌دهد از جمله موانع دستیابی زنان به رده‌های بالای شغلی از جمله مدیریت سقف شیشه‌ای است. سقف شیشه‌ای نیز به نگرش‌ها و تعصبات منفی اطلاق می‌شود و مانع از این می‌شود که زنان و گروه‌های اقلیت و رای یک سطح خاص در سلسله مراتب سازمانی برسند و زنان کشور ما با چنین نگرش‌ها و تعصبات در سطوح مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روبرو هستند که بایستی به تدریج آنها را مرتفع نمود.

• **نگرش‌های مردسالارانه:** برخی از محققان مشکلات ناشی از ساختار مردانه را به دو بخش اجتماعی و فردی تقسیم می‌کنند. اول در سطح اجتماعی می‌توان از بی‌اعتمادی به عملکرد مدیران زن نام برد به این معنی که زنان از ابتدا در کارهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که امکان پیشرفت در آن وجود ندارد. دومین مشکل مربوط به مسایل شخصیت است. از این زاویه زنان می‌توانند شبکه ارتباطی مناسبی با اطرافیان خود در محل کار ایجاد کنند به نحوی که از طریق این شبکه بتوانند خود را در فعالیت شغلی بالا کشیده و به موفقیت‌های بالاتری دست یابند (جمشیدی ۱۳۸۴، ۸۵). به طور کلی حاکمیت نگاه مردسالارانه، تفکر غالب به توانایی مرد در برابر زن، تصویری که زنان به لحاظ مسئولیت‌های خانوادگی و خانه‌داری دارند و همچنین عدم خودباوری زنان باعث کم‌رنگ شدن حضور آنها در عرصه‌های مدیریتی و مشارکتی در جامعه شده است.

مهم‌ترین راه دست‌یابی به توسعه فرهنگی را آموزش و پرورش زنان می‌دانند. که در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده را مهم‌ترین عامل در آموزش، تربیت و جامعه‌پذیری زنان ارزیابی می‌کنند. ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقاء شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می‌نماید و شرایط سختی برای اشتغال آنان ایجاد می‌نماید که باعث می‌شود زنان در زمینه‌های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان را نداشته و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیش‌داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح خواهند داد.

• موانع اقتصادی

بطور کلی موانع اقتصادی مشارکت زنان در جامعه را می‌توان در سه عامل مهم زیر خلاصه نمود:

۱) **کار خانه‌داری بدون دستمزد:** خانه‌داری که عمده‌ترین کار زنان در جامعه ما می‌باشد، فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی را در برمی‌گیرد، نظیر امرار معاش از طریق کشاورزی در روستاها و تولید کالا و خدمات که این کارها بدون پرداخت دستمزد می‌باشد و هیچ ارزیابی اقتصادی از این فعالیت زنان به عنوان مادر و همسر در کاهش هزینه‌های خانواده و مؤثر بودن آن در اقتصاد غیر پولی انجام نمی‌شود.

با توجه به این‌که در حال حاضر حدود سه چهارم زنان جامعه را خانه‌داران تشکیل می‌دهند، از جهت زوددن باورهای غلط فرهنگی نسبت به کارهای خانگی و منزلت زنان، هم‌چنین از لحاظ ایجاد رشد و امنیت روانی و حقوقی و اقتصادی زنان خانه‌دار، این امر به خصوص از نقطه نظر تربیت فرزندان، قابل توجه و حائز اهمیت می‌باشد (موسوی ۱۳۷۱، ۱۰۱).

۲) **اختلاف سطح دستمزدها:** اختلافات در زمینه درآمدها تا حدی ناشی از اختلاف در اشتغال است، هر چند ممکن است ساعات کار زنان، کمتر از مردان باشد و به کارهای متوسط یا پاره وقت مشغول باشند. عامل دیگری که در اختلاف درآمد بین مردان و زنان تأثیر دارد، تبعیض در پرداخت دستمزد است. چنین تصور می‌شود که در دوره‌های رکود و تعدیل ساختاری بر تعداد کارگران زن افزوده شده باشد و به میزانی که مردان شغل خود را در بخش وسیعی از دست داده‌اند، زنان مجبور بوده‌اند برای بقای خانواده در بخش غیر رسمی کار کنند و این چیزی است که یونیسف از آن به عنوان تعدیل نامرئی نام می‌برد (کار و جامعه ۱۳۷۳، ۴۳). از طرف دیگر محدودیت‌های شغلی زنان و هجوم آنها برای کسب مشاغل باعث می‌شود که عرضه نیروی کار زنان بیشتر از تقاضا شده و مدیران و کارفرمایان، زنانی را استخدام کنند که دستمزد کمتری را طلب نمایند و این موجب اختلاف دستمزدهای زنان نسبت به مردان شده و میل و رغبت زنان را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌دهد.

امروزه در اکثر کشورهای در حال توسعه، زنان ۲۵ درصد بیشتر از مردان کار می‌کنند، ولی حقوق زنان ۴۰ درصد کمتر از مردان می‌باشد، این تبعیض حتی در کشورهای توسعه یافته البته با شدت کمتری نیز وجود دارد، به عنوان مثال در کشور صنعتی و پیشرفته ای چون ژاپن، بسیار قابل توجه است که دستمزد زنان در مقابل مردان ۵۱ در برابر ۱۰۰ می‌باشد که نشان دهنده وضعیت بسیار نابرابر میان مردان و زنان می‌باشد بهترین وضعیت را در بین کشورهای توسعه یافته، سوئد با نابرابری ۹۰ در برابر ۱۰۰ دارا می‌باشد، که مشاهده می‌شود هنوز در جهان دستمزد مساوی با مردان برای زنان وجود ندارد (محمدی ۱۳۸۵، ۹).

۳) **نوع مشاغل:** حضور زنان در برخی مشاغل که بیشتر زنانه نامیده می‌شود از جمله معلمی، بهیاری و

۵) فراهم آمدن شرایط مناسب فردی برای بانوان نظیر شجاعت در اظهار نظرها و تصمیم‌گیری‌ها و فعالیتها؛

۶) تمایل و علاقه‌مندی بانوان ایرانی جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی.

• راهبردها

به منظور افزایش هرچه بیشتر مشارکت زنان در روند توسعه کشور و بها دادن به نقش آنها در تصمیم‌گیریها و سیاست‌گذاریهای کلان در کشور، باید از طریق برنامه‌ریزی‌های اصولی در بخش‌های مختلف شرایط مطلوب را مهیا نمود. پرواضح است که تحقق این مهم در گرو داشتن راهبردهای اساسی و اتخاذ استراتژی صحیح در راستای توسعه کشور می‌باشد. به همین منظور راهبردهایی جهت مشارکت زنان در روند سیاست‌های کلی توسعه کشور شرح زیر در ارایه می‌گردد:

۱) افزایش سرمایه‌گذاری در فرهنگسازی و توسعه زیرساخت‌ها برای مشارکت بیشتر زنان در فرآیند توسعه؛

۲) التزام عملی به قانون اساسی مبنی بر مهیا نمودن فرصت‌های یکسان برای زنان در فعالیتهای مختلف؛

۳) گسترش تعاونی‌ها و NGOهای مختص زنان در خصوص فعالیت‌های مختلف جامعه؛

۴) تقویت نقاط قوت و مثبت ظرفیت‌های بالقوه زنان بعنوان سرمایه اجتماعی جامعه؛

۵) رفع تدریجی تبعیض جنسیتی در واگذاری مسئولیت‌های جامعه به زنان؛

۶) توجه به لیاقت‌ها و شایسته‌سالاری زنان برای احراز مسئولیتهای کلان؛

خدمتکاری در ادارات که در ادامه نقش‌های سنتی بدون مزد زن در خانه می‌باشد، تمرکز بیشتری دارد که از کیفیت پایینی برخوردار می‌باشد و دارای سطح دستمزدهای پایین‌تری نیز هستند. لذا حضور زنان در این‌گونه مشاغل که آنان را به همان کارهایی که در فرهنگ سنتی در خانواده انجام می‌داده است، می‌گمارند نه تنها هیچ اثربخشی برای مشارکت زنان ندارد، بلکه آنان را عملاً از صحنه فعالیت اقتصادی دور نگه می‌دارد.

• فرصت‌ها، توانمندیها و قابلیت‌های زنان

کشورهای توسعه یافته از مدت‌ها پیش، با توجه به وجود توانایی و استعدادهاى زنان، نقش اثربخش آنان در روند توسعه را دریافتند و به این اعتبار برای زنان جایگاه ویژه‌ای را در برنامه‌های توسعه کشورهای خود قائل شدند. تا جایی که امروزه یکی از معیارهایی که با آن درجه پیشرفت یک کشور را اندازه می‌گیرند، سطح مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون است. بنابراین در جامعه ایران نیز زنان دارای استعداد و توانایی‌ها و قابلیت‌های بالایی هستند که می‌توان از وجود آنها در روند برنامه‌های توسعه کشور بهره گرفت. برخی از قابلیت‌های موجود در زنان عبارتند از:

۱) وجود استعداد سرشار در زنان ایرانی و خودباوری؛

۲) برخورداری از تحصیلات عالی و تخصص‌های علمی و فرهنگی بالا؛

۳) حمایت قانون اساسی از زنان مبنی بر برخورداری از حقوق یکسان در جامعه؛

۴) امکان دستیابی به مسئولیت‌های مهم مملکتی توسط بانوان با توجه به فراهم شدن فضای مناسب؛

- (۷) رفع برخی از محدودیتهای استخدامی برای مشارکت بیشتر زنان؛
- (۸) ارتقاء سطح آگاهی و بینش زنان در سطوح مختلف جامعه؛
- (۹) تعیین سهم از مدیریت‌های کلان کشور برای جامعه زنان؛
- (۱۰) گسترش مشارکت زنان در عرصه‌های بین‌المللی؛
- (۱۱) بازبینی مسائل حقوقی و قانونی مشارکت زنان؛
- (۱۲) محاسبه فعالیتهای خانه داری زنان در GDP؛
- (۱۳) گسترش چتر حمایتی دولت برای زنان؛
- (۱۴) شناخت جایگاه واقعی زنان در جامعه.

راه‌کارها و پیشنهادات

مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده در مورد جامعه زنان ایران طی چند دهه گذشته حکایت از این مهم دارد که یک نگاه دوگانه نسبت به زنان در سطح حاکمیت وجود دارد در حالی که باید باور جامعه به نگرش برابری بین زنان و مردان جامعه چه در سطح حاکمیت و مراجع سیاست‌گذاری و چه در سطح قانون‌گذاری، نمود و عینیت پیدا کند. به نظر می‌رسد که به دلیل کوتاه‌نگریهای موجود در این راستا ما بایک چالش جدی دوگانه روبرو هستیم (صالحی ۱۳۸۸). لذا در این راستا دو دیدگاه مهم وجود دارد:

دیدگاه اول: بر اساس این دیدگاه یک سطح از حاکمیت نسبت به زنان جامعه نگرش مدرن دارد و از این رو معتقد است که باید زنان همانند مردان در کلیه صحنه‌های مشارکت و فعالیتهای جامعه حضور و ظهور داشته باشند.

دیدگاه دوم: بر اساس این دیدگاه سطح دیگر از حاکمیت نگاه و رویکرد سنتی نسبت به زنان دارد و اعتقاد آنان بر این است که اولویت اول زنان انجام فعالیتهای و خدمات مربوط به خانه داری و همسر داری و تربیت فرزندان و... می‌باشد و سایر فعالیتهای

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان در اولویتهای بعدی قرار داشته و از اهمیت کمتری برخوردار است.

با توجه به دو دیدگاه مزبور نکات زیر در خصوص جامعه زنان امروز ایران قابل تعامل می‌باشد:

(۱) رفع اختلاف نظر بین دیدگاه‌های موجود در خصوص مشارکت زنان در جامعه: در حال حاضر بین دیدگاه صاحب‌نظران و فقها در خصوص چگونگی مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اختلاف نظر وجود و متاسفانه یک رویکرد واحد از نظر مسائل نظری حوزه زنان وجود ندارد. بعنوان مثال برخی از فقها اعتقاد دارند که زنان می‌توانند در سمت قضاوت نیز انجام وظیفه کنند، در حالی که بسیاری از آقایان دیگر اعتقادی به این موضوع ندارند و این امروزه یک چالش جدی پیش روی مشارکت زنان می‌باشد. بنابر این ایدئولوژی نمودن مشارکت زنان در جامعه، در این ارتباط بعنوان یک راهکار بسیار مهم پیشنهاد می‌گردد.

(۲) عدم پیروی از دیدگاه‌های افراط و تفریط رادیکالیسمی و سکولاریسمی نسبت به حوزه زنان: طی صد سال گذشته اکثر نگاه‌ها و دیدگاه‌ها در حوزه زنان بیشتر در قالب رفتارهای افراط و تفریطی حاکم بوده است. مثلاً کشف حجاب توسط رضا شاه در هنگام مراسم تاج‌گذاری (که این یک نگاه سکولاریسمی بود) و همینطور نگاه رادیکالیسمی دیگر این است که برخی از آقایان تحصیل زنان را حتی بعضاً در قبل از انقلاب حرام می‌دانستند. باید دیدگاه‌ها و نگاه‌ها در این ارتباط اصلاح گردد و جلوی افراط و تفریط گرفته شود.

(۳) نگاه نکردن به حقوق زنان از دیدگاه مردان: اصولاً در بسیاری از موارد نگرش به حقوق زنان از دریچه نگاه مردان تفسیر می‌شود و متاسفانه این تفسیر همواره انقباضی بوده است نه انبساطی! (مانند شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که همه مرد هستند از اینرو رویکرد جامعه به ضرورت حضور

اسلامی ایران قرار گیرد. یعنی رعایت اصول فقهی با توجه به شرایط زمانی و مکانی در خصوص مسایل زنان صورت گیرد

۸) ملاحظات مصلحت‌ها و ضرورت‌ها در خصوص حقوق زنان: در حال حاضر مانند موضوع برابر شدن دین زن و مرد یا تغییر بسیاری از مسائل زنان که به مرور زمان اصلاح می‌گردد، باید سایر مسایل زنان نیز با توجه به ضرورت اجتناب ناپذیر مورد توجه جامعه قرار گیرد. به عنوان مثال برخی از فقها اعتقاد دارند که تحول در حقوق زنان یک امر عقلانی است و هر امر عقلانی علمی نیز هست، لذا به دلیل ضرورت عقلانی و علمی باید آن را اصلاح کنیم.

بطور کلی به نظر می‌رسد که در چنین شرایطی از زمان، ارایه یک تصویر مدرن از اسلام ناب در نظام جهانی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و این ارایه تصویر جدید از اسلام، بدون بازنگری در حقوق زنان (از جهات مختلف) امکان پذیر نخواهد بود. لذا به منظور ایجاد یک ساختار مدرن و متناسب با تحولات زنان در جامعه، به ترتیب اجرای اهکارهای عملی زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ایجاد و باز تولید نظام فکری و اندیشگی در حوزه زنان؛
 - ایجاد چارچوب قانونی، نظام حقوقی خارج از نگاه مردانگی؛
 - اصلاح و ایجاد ساختارهای متناسب با آن؛
 - اجرای برنامه‌های متناسب با آن در جامعه.
- لازم به ذکر است کلیه سطوح مطرح شده در فوق باید در قالب اجرای پروسه زنان صورت گیرد.

نتیجه گیری

امروزه مشکلات و موانع موجود بر سر راه اشتغال زنان بنوعی همه کشورها را اعم از صنعتی و در حال توسعه در بر می‌گیرد، با این تفاوت که بعضاً در بین

زنان در عرصه‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... با هدف بررسی در جامعه دارای رویکرد کل نگر می‌باشد. لذا این مشکل باید مرتفع گردد.

۴) ایجاد متولی برای مطالبات زنان: رفتارهای فمینیستی و رادیکالیستی در حوزه زنان امروزه به نوعی با مقاومت نظام سیاسی در مقابل مطالبات زنان منجر شده است. بنا به تعریفی دیگر در جامعه ما هیچگاه جنبش زنان یک رهبری مشخص نداشته است و واقعیت مسلم این است که مطالبات زنان در جامعه امروزی ما در حقیقت یک پروسه می‌باشد که متاسفانه متولی خاصی ندارد. در حالی که پروسه مطالبات زنان امروز در جوامع پیشرفته یک رویکرد اصلی بوده و باید در بلند مدت مورد توجه جامعه ایران نیز قرار گیرد، علیرغم اینکه این پروسه از زمان مشروطه تا کنون ادامه داشته است، ولی متولی ندارد.

۵) بازنگری در حقوق زنان در جامعه: باید بازنگری، بازتولید و بازسازی نظام سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... منطبق با واقعیات امروزی نظام جهانی در راستای مشارکت حداکثر جامعه زنان در این عرصه‌ها صورت گیرد، لازمه انجام و تبیین این مهم آنست که ابتدا باید فکر و اندیشه اصلاح گردد.

۶) توجه به منزلت خواهی زنان: اساساً به شأن و منزلت و جایگاه زنان در جامعه باید توجه شود. از اینرو نباید نسبت به جمعیت زنان در جامعه رویکرد و نگاه درجه ۲ داشت این مسئله باعث شود که آنها احساس حقارت و شان پایین تر نسبت به مردان داشته باشند. بلکه احترام گذاری به منزلت زنان باید طوری باشد که آنها احساس درجه برابری و تساوی در مقابل مردان نمایند.

۷) نگاه به حقوق زنان از منظر فقه پویا باشد: دقیقاً آن اعتقادی که امام خمینی (ره) در مورد زنان در اندیشه خود داشت باید الگوی و سرمشق جامعه

آنها شدت و ضعف وجود دارد. بعضی عوامل مؤثرتر و بعضی دیگر تأثیر کمتری دارند. موانع غیرتوسعه‌ای چون وضعیت فیزیولوژیک زنان و نظام شخصیتی آنان که از نظام فرهنگی و ارزش‌های جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد در اکثر کشورها از مهم‌ترین موانع می‌باشد، و موانع توسعه‌ای که به ساختار کشورهای در حال توسعه مربوط است و با توجه به شرایط خاص هر کشوری لزوم توجه بیشتری به رفع موانع تعیین می‌گردد.

بر اساس مطالعات بعمل آمده در این مقاله، در مجموع مشکلات و موانع مربوط به مشارکت زنان در روند توسعه را می‌توان ناشی از سه عامل عمده فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ذکر کرد. از جمله موانع فرهنگی می‌توان به نگرش‌ها و برخوردهای منفی در سطوح مختلف جامعه، تبعیض جنسیتی، سقف شیشه‌ای، نگرش‌های مردسالارانه، عدم آگاهی زنان از حقوق مختلف خود در اجتماع و باورها و اعتقادات غلط در میان عموم جامعه نسبت به مشارکت زنان اشاره نمود. همچنین از بعد اجتماعی نیز موانعی نظیر رشد روز افزون جمعیت زنان، آسیب‌های اجتماعی ناشی از عدم گسترش چتر حمایتی دولت در مورد زنان، عدم توجه به لیاقت‌ها و شایسته‌سالاری‌های برخی زنان در مقابل مردان و از همه مهمتر کم توجهی به اصول موجود در قانون اساسی در راستای حمایت از زنان مبنی بر ایجاد حقوق یکسان برای عموم جامعه بدون توجه به نوع جنسیت را می‌توان نام برد. وبالاخره مهمترین موانع اقتصادی موجود بر سر راه مشارکت زنان در ایران نیز شامل مسائلی از قبیل انجام خدمات خانه داری توسط زنان بدون احتساب در تولید ناخالص داخلی، اختلاف عمده در سطح حقوق و دستمزد برای انجام فعالیت‌های یکسان و اختصاص مشاغل پایین اداری و مدیریتی به زنان علی‌رغم برخورداری از توانایی و استعدادها قابل توجه، می‌باشد. در مجموع در بررسی چالش‌ها و نارسائیهای

مشارکت زنان، جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی‌توان کاملاً از هم تفکیک کرد. از سوی دیگر همچنانکه در این مقاله اشاره شد، استعداد و توانائیهای زنان در جامعه برکسی پوشیده نیست. امروزه زنان با برخورداری از تحصیلات و آموزشهای عالی و مهارتهای علمی و تخصصی شرایط لازم را برای احراز موقعیت‌های شغلی بالا در جامعه دارند، پس می‌توان با برنامه ریزی‌های صحیح از این فرصت و پتانسیل به منظور مشارکت بیشتر زنان در روند توسعه کشور بهره گرفت. بنا براین یکی از راهکارهای عملی در این ارتباط بالا بردن سهم پست‌های مدیریتی و مشاغل رده بالا متناسب با جمعیت زنان تحصیلکرده موجود در جامعه می‌باشد. البته این مسئله در کشورهای توسعه یافته نیز، هنوز حل نشده است ولی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران بصورت یک چالش جدی درآمده است و موقعیت و شرایط شغلی زنان را در آینده، همچنان تهدید می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد با توجه به روند افزایش تدریجی قشر عظیم تحصیلکردگان و متخصصان توانای زن در ایران و تمایل گسترده این خیل عظیم برای مشارکت در عرصه‌های اقتصادی و با توجه به فراهم بودن بسترهای قانونی و حقوقی مناسب برای زن ایرانی که در قوانین اساسی، قوانین مدنی و قانون کار در رابطه با تسهیلات مناسب جهت اشتغال زنان آمده است، تأثیر دولت در ارتقا و تسریع روند توسعه جهت توانمندسازی زنان و به کارگیری این نیمه بالقوه توانمند اجتماع و افزایش سطح مشارکت در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جامعه امروزی ما، امری انکار ناپذیر و قطعی است. زیرا باتوجه به شاخص‌های توسعه انسانی و حرکت کشور به سوی توسعه پایدار، مشارکت و برنامه‌ریزی برای رفع تدریجی موانع و محدودیت‌ها با شناخت دقیق مسائل زنان در ابعاد

کشور. معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، هفته نامه برنامه، شماره ۲۳۳. (۹) سایت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۷۸). (www.women.org.ir) (۱۰) صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۸). جزوه درسی دوره دکتری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. (۱۱) ضرابی، مهشید. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت و میزان اشتغال زنان ایرانی در دهه اخیر، مشهد: اولین گردهمایی ملی زنان ایرانی ویژه و پژوهش.

(۱۲) علویون، محمد رضا. (۱۳۸۴). کار زنان در حقوق ایران، روشنفکران و مطالعات زنان.

(۱۳) فتحی، لاله. (۱۳۸۴). زنان در عرصه مدیریت، روزنامه همشهری، شماره ۳۸۳۰.

(۱۴) محمدی، مقداد. (۱۳۸۵). اشتغال زنان و نقش آن در توسعه کشور، دانش پژوهان، شماره ۹.

(۱۵) مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سرشماری نفوذ و مسکن کل کشور.

(۱۶) مقدم، والتین. (۱۳۸۴). اشتغال زنان، مجله ایران.

(۱۷) موسوی امنه، مرضیه. (۱۳۷۱). زنان در فرایند توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

(۱۸) ----- (۱۳۸۷). معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، روابط عمومی و امور اجتماعی. تهران: اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، اداره تبلیغات و انتشارات.

(۱۹) ----- (۱۳۸۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، اداره تبلیغات و انتشارات.

منطقه‌ای و ملی، می‌تواند در رشد و توسعه مشارکت زنان تأثیر بسزایی داشته باشد.

بدیهی است امر توسعه بدون مشارکت زنان تحقق نخواهد یافت لذا دولتمردان و مسئولین ذیربط با هدف گذاری و الگو برداری از راهبردهای ارایه شده در این مقاله و با توجه به اتخاذ سیاست‌های مناسب در برنامه ریزیهای بلندمدت خود، می‌توانند تا حدودی زمینه‌های مساعد را فراهم آورده و روند مشارکت تدریجی زنان را در فرآیند توسعه کشور به ویژه در حوزه فرهنگی، بهبود بخشند.

فهرست منابع

(۱) بهنود، مهسان. (۱۳۸۲). مسایل کار آفرینی زنان در ایران، عصر نو.

(۲) پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت. (۱۳۸۸). مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی **CRCIS** (www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?LanguageID=1&id=58793)

(۳) جزنی، نسرین. (۱۳۷۸). سقف شیشه‌ای مانع رشد زنان، تدبیر، شماره ۷۸.

(۴) جمشیدی، ایوب. (۱۳۸۴). سهم زنان در مدیریت: نگاهی به وضعیت مدیران زن در جامعه.

(۵) حصاری، علی. (۱۳۸۵). تحول نیروی کار زنان در ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، هفته نامه برنامه، شماره ۱۷۶.

(۶) خدا بخشی، نسرین. (۱۳۸۴). اثربخشی حضور زنان در تکنولوژی، مشهد: اولین گردهمایی ملی زن ایرانی و پژوهش.

(۷) سایت اطلاع رسانی ایران در خصوص زنان (۱۳۸۸). (www.iran-nabard.com).

(۸) رضاپور، فرحناز و حسین مختاریان. (۱۳۸۶). جایگاه زنان در روند توسعه

۲۰) ----- (۱۳۷۸). زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، نشر نوادر.

۲۱) ---- (۲۰۰۷). گزارش توسعه انسانی، برنامه توسعه سازمان ملل.

۲۲) ----- (۱۳۷۳). تهران: وزارت کار و امور اجتماعی، کار و جامعه، شماره ۴.

۲۳) سایت انجمن علمی دانشجویان ایران. (۱۳۸۸).

(<http://www.etemaad.com/Released>)

۲۴) ----- (۱۳۸۶). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

25) ---- (1998). Women's Environment Development Organization Report.

([www.wikigender.org/index.php/Women's Environment and Development Organization](http://www.wikigender.org/index.php/Women's_Environment_and_Development_Organization)) (WEDO)

یادداشت‌ها

¹ World Labor Organization

² Human Development Report

³ Human Development Index (HDI)

⁴ United Nation Development Program (UNDP)

⁵ Gross Domestic Production (GDP)